یادداشت

احتکار، تهدید علیه اقتصاد و معیشت مردم

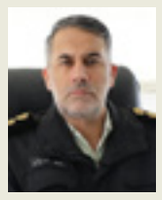

سرهنگ علی صباحی‌فر
معاون اجتماعی پلیس امنیت اقتصادی

احتکار یعنی نگهداری و ذخیره‌سازی عمدی کالا، به‌ویژه کالاهای مورد نیاز عموم، به قصد گران‌تر فروختن آن در آینده و بدون توجه به نیاز جامعه. تفاوت مهمی میان احتکار و انبارداری معمول وجود دارد. تولیدکننده و تاجر برای تأمین پایدار بازار، کالا را در انبار نگه می‌دارند و این کار بخشی از چرخه عادی اقتصاد است. احتکار زمانی رخ می‌دهد که کالا عمداً از چرخه عرضه خارج شود تا کمبود مصنوعی ایجاد شود و قیمت بالا برود. معمولاً سه عنصر در آن دیده می‌شود؛ کالای مورد نیاز عموم، مقدار قابل توجهی ذخیره و قصد سودجویی از کمبود یا افزایش قیمت. در فقه اسلامی و قوانین ایران نیز احتکار مذموم و ممنوع شمرده شده است. در قانون ایران، احتکار کالاهای اساسی و ضروری مشمول مجازات‌های تعزیراتی از جمله جریمه نقدی، ضبط کالا و در موارد شدیدتر حبس است.

تأثیرات منفی احتکار بر اقتصاد

۱. ایجاد کمبود مصنوعی: وقتی بخشی از کالا از بازار خارج می‌شود، عرضه کاهش می‌یابد و حتی اگر تولید کافی باشد، مصرف‌کننده با قفسه‌های خالی روبه‌رو می‌شود.

۲. افزایش قیمت‌ها: کاهش عرضه، قیمت را بالا می‌برد. این گرانی ناشی از واقعیت‌های تولید نیست، بلکه نتیجه رفتار سوداگرانه است.

۳. تشدید تورم انتظاری: وقتی مردم می‌بینند کالاها کم و گران می‌شوند، انتظار گرانی بیشتر پیدا می‌کنند. این انتظار خودش رفتار خرید را تغییر می‌دهد و بقیه نیز برای جلوگیری از ضرر دست به خرید اضافه و ذخیره‌سازی می‌زنند. نتیجه چرخه‌ای است که تقاضا را بالا و بازار را ملتهب می‌کند.

۴. انحراف سرمایه از تولید: وقتی نگه‌داشتن کالا سودآورتر از تولید آن باشد، سرمایه‌ها از بخش مولد به سمت سفته‌بازی می‌روند. این یعنی کاهش سرمایه‌گذاری، اشتغال و رشد اقتصادی در بلندمدت.

۵. تضعیف اعتماد عمومی: احتکار اعتماد مردم به بازار و به سیاست‌گذار را کم می‌کند و عدالت اقتصادی را زیر سؤال می‌برد.

احتکار کالای اساسی در شرایط کنونی

کالاهای اساسی مانند نان، برنج، روغن، گوشت، لبنیات و دارو جزو نیازهای غیرقابل‌حذف سفره مردم‌اند. وقتی اقتصاد زیر فشار تورم، نوسان نرخ ارز و کاهش قدرت خرید است. احتکار این کالاها اثری چند برابر دارد. نخست، دهک‌های کم‌درآمد بیش از همه آسیب می‌بینند. خانوار کم‌درآمد بخش بزرگی از بودجه‌اش را صرف خوراک می‌کند و هر افزایش قیمت، مستقیماً از کیفیت و مقدار مصرفش می‌کاهد. دوم، احتکار تورم را از ابزار آماری به تجربه روزمره تبدیل می‌کند؛ مردم هر هفته با قیمت‌های تازه روبه‌رو می‌شوند و این فشار روانی به نارضایتی اجتماعی دامن می‌زند. سوم، در شرایطی که دولت تلاش می‌کند با یارانه، ارز ترجیحی یا قیمت‌گذاری از مصرف‌کننده حمایت کند، احتکار این حمایت‌ها را بی‌اثر می‌کند، چون کالای ارزان‌قیمت به‌جای رسیدن به مصرف‌کننده، در انبارها می‌ماند تا با قیمت آزاد فروخته شود. چهارم، شایعه و هیجان خرید می‌تواند بحران را بزرگ‌تر کند، چون ترس از کمبود خودش کمبود می‌سازد. البته همه گرانی‌ها نتیجه احتکار نیستند. تورم ریشه‌های ساختاری مانند کسری بودجه، رشد نقدینگی، ناترازی‌های اقتصادی و نوسان ارز دارد، اما احتکار عاملی است که در این شرایط بحران را عمیق‌تر و سریع‌تر می‌کند و نباید آن را کوچک شمرد.

راه‌های مقابله با احتکار

۱. نظارت هوشمند و شفافیت: ایجاد سامانه‌های ثبت موجودی انبارها، ردیابی زنجیره تأمین و تبادل اطلاعات میان دستگاه‌های نظارتی، شناسایی انبارهای غیرمجاز را آسان می‌کند.

۲. برخورد قانونی بازدارنده و سریع: مجازات باید قطعی، سریع و عادلانه باشد. اگر محتکر ببیند احتمال شناسایی و مجازات بالاست، سودجویی برایش توجیه‌پذیر نخواهد بود.

۳. تأمین پایدار و مدیریت عرضه: مؤثرترین راه مقابله، حذف انگیزه احتکار است. وقتی بازار از عرضه کافی و ذخایر راهبردی دولتی اطمینان دارد، سوداگر امیدی به کمبود ندارد. مدیریت واردات و توزیع به‌موقع کالاهای اساسی این اطمینان را می‌سازد.

۴. ثبات اقتصاد کلان: کنترل تورم، مهار نوسانات ارزی و پرهیز از تصمیم‌های ناگهانی و متناقض، فضای سفته‌بازی را کم می‌کند. اقتصادی که قابل پیش‌بینی نباشد، محتکر می‌پروراند.

۵. اطلاع‌رسانی شفاف و مشارکت مردم: اطلاع‌رسانی دقیق درباره وضعیت ذخایر، از دامن زدن به شایعه و خرید هیجانی جلوگیری می‌کند. همچنین مردم با گزارش موارد مشکوک از طریق سامانه‌های رسمی، مانند سامانه ۱۲۴ سازمان تعزیرات حکومتی و سامانه‌های بازرسی می‌توانند در شناسایی احتکار نقش داشته باشند.

۶. اصلاح ساختار توزیع: کوتاه کردن زنجیره واسطه‌ها و تقویت شبکه‌های توزیع، فرصت‌های سوءاستفاده را کاهش می‌دهد.

جمع‌بندی

احتکار فقط تخلفی اقتصادی نیست، بلکه ضربه‌ای به عدالت اجتماعی و اعتماد عمومی است. در شرایط فشار تورمی، اثر آن بر سفره مردم دوچندان می‌شود. مقابله با آن نیازمند ترکیبی از نظارت دقیق، برخورد قاطع قانونی، مدیریت درست عرضه و ثبات‌بخشی به اقتصاد است. هیچ‌یک از این ابزارها به‌تنهایی کافی نیست. آنچه نتیجه می‌دهد، هماهنگی سیاست‌گذار، دستگاه‌های نظارتی و مشارکت آگاهانه مردم است. به‌طور قطع همه باید خود را در تأمین و حفظ و ارتقای امنیت اقتصادی سهیم بدانیم از این رو هموطنان گرامی می‌توانند اخبار و اطلاعات خود را در خصوص جرائم و مفاسد اقتصادی از جمله احتکار کالای اساسی با شماره تلفن ۳۰۱۱۰ در میان بگذارند.

انتقام از رقیب عشقی با فیلم سیاه



آرمین بینا

مرد جوانی که به خاطر علاقه به دختری با رقیب عشقی‌اش درگیر شده بود، هدف انتقام‌جویی هولناک او و سه دوستش قرار گرفت. متهمان پس از ربودن مرد جوان و انتقال او به خارج از تهران، با ضرب و شتم، برهنه کردن و وادار کردنش به خوردن خاک از او فیلم گرفتند و تهدید کردند در صورت قطع نکردن رابطه با دختر مورد علاقه‌شان، فیلم را منتشر می‌کنند. آنها پس از سرقت اموالش، او را نیمه‌جان در بیابان رها کردند و مدتی بعد نیز فیلم ۶۰ ثانیه‌ای را برای بستگان و دوستانش فرستادند.

اوایل آبان‌ماه امسال مرد جوانی به اداره پلیس تهران رفت و از چهار مرد به اتهام آدم‌ربایی، سرقت مقرون به آزار و تهیه و انتشار فیلم سیاه شکایت کرد.

آشنایی در اینستاگرام

شاکی در توضیح ماجرا گفت: مدتی قبل در اینستاگرام با دختر جوانی به نام مهین آشنا شدم. ارتباط ما از طریق تلفن و پیامک ادامه پیدا کرد و به یکدیگر علاقه‌مند شدیم، حتی تصمیم گرفتم موضوع را با خانواده‌ام در میان بگذارم و به خواستگاری او بروم، اما نمی‌دانستم مهین پیش از آشنایی با من با پسری به نام شایان ارتباط داشته و چند هفته قبل رابطه‌اش را با او قطع کرده است. تا اینکه در یک میهمانی شبانه با شایان روبه‌رو شدم. او مرا تهدید کرد که رابطه‌ام را با مهین قطع کنم، اما نپذیرفتم و همین موضوع باعث درگیری ما در میهمانی شد. هرچند میهمان‌ها میانجیگری کردند و دعوا پایان یافت، اما ماجرا به همین‌جا ختم نشد.

ربودن رقیب عشقی

شاکی ادامه داد: وقتی از میهمانی خارج شدم، شایان به همراه سه نفر از دوستانش به من حمله و پس از کتک زدن، به زور سوار خودرو کردند و به خارج از شهر بردند. آنها مرا بالای تپه‌ای بردند، لباس‌هایم را از تنم بیرون آوردند و مجبورم کردند خاک بخورم. سپس در همان وضعیت از من فیلم گرفتند و تهدید کردند اگر رابطه‌ام را با مهین قطع نکنم، فیلم را برای اقوام و دوستانم می‌فرستند.

آنها به گرفتن فیلم اکتفا نکردند و پس از سرقت تلفن همراه و اموالم، آن‌قدر مرا کتک زدند که بیهوش شدم. ظاهراً تصور کردند جان باخته‌ام و مرا همانجا رها کردند و رفتند. ساعتی بعد راننده خودروی عبوری با دیدن پیکر نیمه‌جانم مرا به بیمارستان منتقل کرد و به این ترتیب نجات پیدا کردم.

شاکی درباره علت تأخیر در شکایت گفت: چند روز در بیمارستان بستری بودم و پس از ترخیص به خاطر حفظ آبرویم شکایت نکردم. تصور می‌کردم دیگر کاری با من ندارند، به همین دلیل دوباره با مهین ارتباط گرفتم، اما روز قبل یکی از دوستانم خبر داد شایان فیلم ۶۰ ثانیه‌ای را برای بستگان و دوستانم فرستاده است، به همین دلیل تصمیم گرفتم از او و همدستانش شکایت کنم.

دستگیری دو متهم

با ثبت شکایت، پرونده به دستور بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران برای رسیدگی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. تحقیقات فنی و میدانی به شناسایی مخفیگاه شایان و یکی از همدستانش منجر شد و کارآگاهان در عملیاتی غافلگیرانه آن دو را بازداشت کردند.

شایان در جریان بازجویی‌ها به نقش خود در این ماجرا اعتراف کرد و گفت: من و مهین با هم رابطه دوستانه داشتیم و عاشق او بودم، اما مدتی قبل رابطه‌اش را با من قطع کرد. هرچه تلاش کردم او را به ادامه رابطه راضی کنم، موفق نشدم. وقتی فهمیدم با پسر دیگری آشنا شده، از او کینه به دل گرفتم و تصمیم گرفتم رقیب عشقی‌ام را بترسانم تا از مهین فاصله بگیرد. وقتی او حاضر به قطع رابطه نشد، با دوستانم نقشه ربودنش را اجرا کردیم. فکر می‌کردم به خاطر آبرویش از ما شکایت نمی‌کند. تحقیقات از دو متهم بازداشت شده ادامه دارد و کارآگاهان برای شناسایی و دستگیری دو همدست فراری آنها تلاش می‌کنند.

۲ محکوم به قصاص به احترام روز مادر از چوبه دار فاصله گرفتند

غلامرضا مسکنی

دو مرد که در پرونده‌های جداگانه مرتکب قتل شده و به قصاص محکوم شده بودند، پای چوبه دار به احترام میلاد حضرت فاطمه زهرا(س) و روز مادر از اولیای دم مهلت گرفتند و به سلولشان منتقل شدند.



چند روز قبل این دو قاتل در زندان قزلحصار پای چوبه دار رفتند، اما در آخرین لحظات با میانجیگری واحد صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران و مددکاران زندان، از اولیای دم مهلت گرفتند و به سلول‌های خود بازگشتند. خانواده‌های مقتولان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا(س) و روز مادر از اجرای حکم صرف‌نظر کردند تا در فرصتی دیگر درباره بخشش یا اجرای قصاص تصمیم بگیرند.

قتل در جدال بر سر مسافرکشی

نخستین پرونده به قتل مرد موتورسوار در حوالی میدان جمهوری مربوط می‌شود. ۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۲، مأموران پلیس از درگیری خونینی در این محدوده باخبر شدند و به محل رفتند. بررسی‌های اولیه نشان داد مردی به نام کیوان در جریان درگیری با ضربات چاقو به قتل رسیده و ضارب که او نیز موتورسوار بوده، از محل فرار کرده است.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات برای شناسایی عامل جنایت آغاز شد. کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی با بررسی دوربین‌های مداربسته و تحقیقات میدانی، هویت متهم به نام یوسف را شناسایی و او را دستگیر کردند. یوسف در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: با موتورسیکلت مسافرکشی می‌کردم تا هزینه زندگی خودم و خانواده‌ام را تأمین کنم. روز حادثه کنار خیابان منتظر مسافر بودم که کیوان به من اعتراض کرد و گفت آن محدوده محل کار اوست و اجازه نمی‌دهد کس دیگری آنجا مسافر سوار کند. ابتدا تلاش کردم با او کنار بیایم، اما ناگهان به سمتم حمله کرد. چاقویی را که همراهم داشتم بیرون آوردم تا او را بترسانم، اما وقتی به طرفم حمله کرد، چاقو را پرتاب کردم و به او برخورد کرد. متهم پس از محاکمه به قصاص محکوم و حکم او در دیوان عالی کشور تأیید شد. چند روز قبل نیز برای اجرای حکم به پای چوبه دار رفت، اما اولیای دم به مناسبت روز مادر به او مهلت دادند.

مرگ همسایه در درگیری آپارتمانی

دومین پرونده به درگیری مرگبار دو همسایه در محله بریانک مربوط می‌شود. ۲۶ خرداد ۱۴۰۲، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران از مرگ مشکوک مردی جوان در یکی از بیمارستان‌ها باخبر شد و همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به محل رفت. بررسی‌ها نشان داد مرد حدوداً ۳۰ ساله پس از درگیری با یکی از همسایه‌هایش در ساختمان محل سکونت، بدحال شده و با انتقال به بیمارستان جان باخته است. تحقیقات از شاهدان نشان داد اختلاف دو مرد بر سر رعایت قوانین آپارتمان‌نشینی آغاز شده و در ادامه به مشاجره و درگیری فیزیکی انجامیده است. در جریان این درگیری، مرد جوان به‌شدت آسیب دید و به بیمارستان منتقل شد، اما تلاش پزشکان برای نجات او نتیجه نداد.

همسایه مقتول بازداشت شد، اما اتهام قتل را نپذیرفت. با این حال، پزشکی قانونی اعلام کرد مقتول بر اثر پارگی قلب و ریه ناشی از اصابت جسم سخت به قفسه سینه جان باخته است.

با تکمیل تحقیقات، برای متهم به اتهام قتل کیفرخواست صادر شد و او در دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه رفت. قضات دادگاه با مجرم شناختن وی، حکم قصاصش را صادر کردند. این متهم نیز چند روز قبل در زندان قزل‌حصار پای چوبه دار رفت، اما اولیای دم به احترام میلاد حضرت فاطمه زهرا(س) و روز مادر به او مهلت دادند تا در فرصتی دیگر درباره سرنوشتش تصمیم بگیرند.

به این ترتیب، هر دو محکوم فعلاً از اجرای حکم قصاص فاصله گرفتند و فرصت دیگری برای جلب رضایت خانواده‌های مقتولان به دست آوردند.

حبس بدهکاران مهریه در شرایط فعلی معقول نیست

رئیس هیئت امنای ستاد مردمی دیه کشور با اشاره به شرایط اقتصادی و اجتماعی ناشی از دو جنگ تحمیلی اخیر، حبس و نگهداری بدهکاران مهریه در زندان را در وضعیت کنونی غیرمعقول و حتی غیرمشروع دانست و بر ضرورت کاهش ورود محکومان مهریه به زندان‌ها و تسریع در آزادی زندانیان جرائم غیرعمد تأکید کرد.



به گزارش «جوان»، سید اسدالله جولایی، در جلسه هیئت امنای ستاد دیه استان قم با اشاره به هزینه‌های نگهداری زندانیان مهریه اظهار کرد: در شرایط فعلی حادث بر کشور، حبس و نگهداری بدهکاران مهریه در زندان معقول و حتی مشروع به نظر نمی‌رسد. وی با تأکید بر ضرورت کاهش ورود محکومان مهریه به زندان‌ها و تسریع در آزادی زندانیان جرائم غیرعمد، گفت: هم‌اکنون چند هزار جوان ایرانی به دلیل پذیرش تعهدات مالی مربوط به مهریه، پشت میله‌های زندان گرفتار شده‌اند و این وضعیت، هزینه‌های سنگینی را بر دستگاه زندان‌بانی و در نهایت بر کشور تحمیل می‌کند.

جولایی با اشاره به نقش فرهنگ‌سازی در کاهش شمار بدهکاران مهریه افزود: خانواده‌ها باید با در نظر گرفتن توانایی واقعی افراد، تعهداتی را بپذیرند که امکان ایفای آن وجود داشته باشد، نه اینکه پذیرش صوری مهریه به عاملی برای گرفتار شدن افراد و درگیر شدن نهادهای مختلف در حل این معضل تبدیل شود. رئیس هیئت امنای ستاد مردمی دیه کشور در عین حال تأکید کرد که مخالفت با زندانی شدن بدهکاران مهریه نباید به معنای نادیده گرفتن حقوق قانونی زنان در وصول مطالباتشان تلقی شود. دستیابی زنان به مهریه‌ای متناسب و قابل وصول، موضوعی است که باید از سوی مسئولان و متولیان قانون‌گذاری و اجرای عدالت مورد توجه قرار گیرد. جولایی در پایان بر ضرورت اصلاح نگرش فرهنگی نسبت به مهریه، کاهش ورودی زندان‌ها و فراهم کردن زمینه آزادی زندانیان جرائم غیرعمد تأکید کرد.

یادداشت

جرعه جانی



حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

ممنوعیت قانونی و شرعی مصرف مشروبات الکلی، سال‌هاست در نظام حقوقی و فرهنگی ایران به رسمیت شناخته شده است. با این حال، آمارهای تلخ مسمومیت، نابینایی، مرگ و فعالیت شبکه‌های تولید و توزیع مشروبات الکلی نشان می‌دهد صرف وجود قانون نتوانسته این پدیده را از لایه‌های پنهان جامعه حذف کند. اکنون پرسش اساسی این است که چگونه یک ممنوعیت قانونی در برابر گسترش آسیب‌های ناشی از مصرف و عرضه این مواد با چنین چالش‌هایی روبه‌رو شده است؟

آمارهای منتشر شده از سوی پلیس در ۱۰ روز گذشته از مرگ ۳۲ نفر و مسمومیت ۴۶۶ نفر خبر می‌دهد. در هشت ماه گذشته، به گفته سخنگوی فراجا، بیش از ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر مشروبات الکلی دست‌ساز و یک میلیون و ۳۵۰ هزار بطری مشروبات الکلی خارجی کشف شده و بیش از ۴۱ هزار نفر نیز در ارتباط با جرائم تهیه و توزیع مشروبات الکلی دستگیر شده‌اند. این حجم از کشفیات و دستگیری‌ها، در کنار تداوم مسمومیت‌ها و مرگ‌های ناشی از مصرف، پرسشی جدی درباره اثربخشی شیوه‌های مقابله ایجاد می‌کند. اگر چه اقدامات انتظامی و برخورد قضایی با تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان غیرمجاز ضرورت دارد، اما آیا مقابله با عرضه، بدون شناخت تقاضا و عوامل اجتماعی گرایش به مصرف می‌تواند به نتیجه پایدار منجر شود؟ واقعیت این است که آسیب‌های این پدیده گاهی پیش از آنکه قانون فرصت مداخله پیدا کند، خود را در قالب مرگ، نابینایی، نارسایی کلیه، حوادث رانندگی، خشونت و فروپاشی روابط خانوادگی نشان می‌دهد. به بیان دیگر، آسیب‌های اجتماعی ناشی از مصرف الکل، در مواردی از سرعت و دامنه اثرگذاری سازوکارهای قانونی و نظارتی پیشی گرفته‌اند.

یکی از ابعاد خطرناک این پدیده، عرضه مشروبات دست‌ساز و تقلبی است. متانول، ماده‌ای سمی که در برخی محصولات آلوده وجود دارد، می‌تواند حتی در مقادیر کم به نابینایی، آسیب مغزی، نارسایی اندام‌های حیاتی و مرگ منجر شود. نکته نگران‌کننده اینکه تشخیص متانول از اتانول با رنگ، بو، مزه یا روش‌های خانگی امکان‌پذیر نیست. بنابراین تصور برخی مصرف‌کنندگان مبنی بر امکان تشخیص نوشیدنی سالم از تقلبی، اطمینانی کاذب و خطرناک است. در چنین شرایطی، شبکه‌های سودجو نه‌تنها قانون را نقض می‌کنند، بلکه با به خطر انداختن سلامت مصرف‌کنندگان، هزینه رفتار مجرمانه خود را به خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کنند. پرسش مهم‌تر به چرایی تداوم تقاضا بازمی‌گردد. چرا با وجود ممنوعیت و آگاهی از پیامدهای مصرف، بخشی از افراد همچنان به این رفتار روی می‌آورند؟

به اعتقاد متخصصان، عواملی مانند فشار همسالان، هیجان‌طلبی، مشکلات عاطفی و خانوادگی، اضطراب، افسردگی، احساس تنهایی و تلاش برای فرار موقت از فشارهای روانی می‌توانند در گرایش افراد به مصرف نقش داشته باشند. نمایش غیرواقعی و جذاب مصرف الکل در برخی شبکه‌های اجتماعی نیز ممکن است به عادی‌سازی این رفتار، به‌ویژه در میان نوجوانان کمک کند. از سوی دیگر، رئیس انجمن روان‌پزشکان ایران از رواج الگوی مصرف مقطعی و سنگین الکل در کشور سخن گفته و بر ضرورت توجه به مراکز تخصصی درمان وابستگی تأکید کرده است. این دیدگاه نشان می‌دهد ابعاد سلامت روان و درمان نیز باید در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد. نمی‌توان انتظار داشت با نادیده گرفتن یک آسیب اجتماعی یا محدود کردن مواجهه با آن به برخوردهای انتظامی، مسئله به‌طور کامل حل شود. برخورد با شبکه‌های تولید و توزیع غیرقانونی باید قاطع و مستمر باشد، اما در کنار آن، آموزش عمومی، شناسایی عوامل گرایش به مصرف، دسترسی به خدمات درمانی و برنامه‌های پیشگیری نیز ضرورت دارد. خانواده‌ها نیز در این مسیر مسئولیت مهمی دارند. گفت‌وگوی صریح و بدون تحقیر با نوجوانان، شناخت محیط ارتباطی فرزندان و توجه به مشکلات روانی و عاطفی آنان می‌تواند در پیشگیری از گرایش به رفتارهای پرخطر مؤثر باشد. از سوی دیگر، رسانه‌ها و نهادهای مسئول باید به جای هشدارهای مقطعی، اطلاعات دقیق و قابل فهم درباره خطرات مصرف الکل و مسمومیت با متانول در اختیار جامعه قرار دهند.

مرگ ۳۲ نفر، مرگ مغزی هشت نفر و بستری شدن صدها نفر نشان می‌دهد که مقابله با آسیب‌های ناشی از مصرف مشروبات الکلی به رویکردی جامع‌تر نیاز دارد. قانون زمانی می‌تواند نقش بازدارنده خود را به‌درستی ایفا کند که در کنار برخورد با تخلف، زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شکل‌گیری آن نیز شناخته و مدیریت شود. امنیت اجتماعی تنها با کشف محموله‌ها و دستگیری متخلفان تحقق نمی‌یابد، بلکه به معنای صیانت از جان، سلامت و آینده شهروندان است. شاید مهم‌ترین درس این حوادث آن باشد که نباید اجازه داد آسیب‌های یک پدیده ممنوعه، همواره از سرعت پیشگیری و مداخله قانونی سبقت بگیرند. هزینه پیشگیری، آگاهی‌بخشی و درمان به مراتب کمتر از هزینه مرگ، معلولیت و خانواده‌هایی است که باید تا پایان عمر با پیامدهای یک تصمیم پرخطر زندگی کنند.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸

به جوان دوباره نگاه کن
Javanonline.ir

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۵۷۰۰۳۶۵۵ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای امیررضا زارع زاده فرزند علی بشماره شناسنامه ۴۶۳۷ صادره از در یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۹۷۶ متر مربع از پلاک ۱۱۵۳ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در کرج - ماهدشت - سه راه سردر آباد - کوچه دهم خریداری از مالک رسمی آقای نقی مرادخانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۹/۰۹ تاریخ نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۲۴
شناسه آگهی: ۲۳۳۴۱۶۱
عباس صبوری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج